

وقف در ایران

عنوان کتابی است به قلم مینودخت مصطفوی رجالی. قطع وزیری، تهران ۱۳۵۱ حدود ۲۰۰ صفحه .

همچنانکه از نام این کتاب دانسته می شود هدف اصلی مؤلف نمودن تاریخچه و ریشه های وقف است در ایران و سیراجمالی است در خیرات و مبرات که در ایران و بوسیله مردان نیکوکار انجام شده است .
قبل از ورود در اصل مطلب مقدمه فاضلانۀ مؤلف جلب توجه می کند در این مقدمه پس از بیاناتی شیوا نتیجه گرفته شده که اصولاً مسأله وقف ریشه های مذهبی و الهی دارد .

درست است که در مفر بزمین عواقب و خیم و نابسامانی های حاصل از جنگ جهانی دوم ایجاب کرد که دولتمندان و صاحبان مکنت بفکر سازمانهای خیریه و عام المنفعه افتند لکن همین امر نیز اساس مذهبی داشته است .
و بنا بر این اگر دین اسلام مسأله وقف را پیش از پیش مورد توجه قرار داده و نظامات خاصی برای آن وضع کرده است جای هیچگونه شکفتنی نیست .
زیرا دین اسلام بدون شك از نظامات دینی پیش از خود کامل تر و عمیق تر و رساتر است و بناچار تمام شئون زندگی اجتماعی را باید بررسی می کرد و نظامات و

قرارات استوارتری می‌نهاد و حفظ موقوفات را از گزند حوادث و روزگار از واجبات عینی می‌شمرد .

می‌دانیم که اصولاً وقف در فقه اسلام وضع خاصی دارد و در تعریف آن گفته‌اند: وقف عبارت از حبس و نگهداری عین مال است و تسبیل منفعت آن یعنی باید عین مال همواره ثابت و پایرجای بماند تا سالیان سال مردم از منافع آن بهره‌مند گردند و در آن جهت و راهی که واقف صلاح و مصلحت دانسته است مصروف گردد .

مسأله وقف در ایران قبل از اسلام تا حدودی و ایران اسلامی به اندازه زیاد مورد توجه مردان نیکوکار بوده است و چه بسیار از وقفنامه‌هایی که موجود است و از عین رقبات و موقوفات آن اکنون اثری و خبری نیست .

این کتاب شامل هفت فصل است :

فصل اول - در باب نذورات در ایران پیش از اسلام نگاشته شده است . همانطوری که مؤلف محترم گفته‌اند در ایران باستان وقف بمعنی امروز وجود نداشته است . بلکه امور خیریه بمنوان نذرونیاز انجام می‌یافته است و ناچار اگر موقوفاتی بنام زرتشتیان وجود دارد به تقلید اسلام و مسلمین تأسیس شده است .

وی با دقت خاصی مسأله نذورات را از یسنا بیرون آورده است و نموده است که این نذورات به چه ترتیب انجام می‌شده است و بطورنسبه مفصل نذورات معابد و پرستشگاهها و عناوین خاص آنها را بررسی کرده است و از کتب مقدس مذهبی ایران باستان گواهی‌هایی آورده است که بسیار جالب است و انواع و اقسام خیرات را در ایران باستان بطور مستند و مستدل بر شمرده است برای شادی ارواح در گذشته گان ، برای جبران و کفاره گناهان ...

در فصل دوم مسأله وقف را پس از ظهور اسلام بررسی شده و علل وجود آنرا بطور مستدل و مستند به آیات قرآن بر شمرده است و در حقیقت مستندات وقف را در اسلام که اساس استدلال فقهای عظام است ذکر نموده است . وی باستناد آیات قرآن بیان کرده است که اصولاً جمع‌آوری مال بدون

آنکه در امور جامعه و رفاه زندگی اجتماعی مصرف شود گناهی بزرگ است و جمع کننده مال بدون هدف گرفتار بدبختی و خذلان ابدی است .

در فصل سوم - وقف را بدانسان که یادآور شدیم تعریف کرده و با استناد متون فقهی اسلامی تعاریف متعددی از وقف آورده است و مسأله عقل و یا ایقاع بودن وقف را که از مسائل فقهی است مورد بررسی قرار داده و بالاخره شرایط وقف را بطور اختصار بر شمرده است و انواع آنرا بیان کرده است .

در باب تمیین متولی وقف نیز سخن گفته و شرایط متولی بودن را روشن کرده است. سپس مسأله تبدیل باحسن را که عنوانی است در کتب وقف بمیان آورده و شرایط و مقتضیات آنرا آنطور که باید باشد و نه آنطور که هست و متأسفانه عمل شده است بطور دقیق و واضح بیان کرده است که امیدواریم اگر چیزی از این همه موقوفات از دست برد حوادث یغماگر مانده است با این ضوابط و قواعد منطبق گردد .

فصل چهارم - ویژه قوانین و مقررات اوقاف است. شکی نیست که همان طور که مؤلف محترم اشارت فرموده اند قوانین و مقررات اوقاف نمی تواند منافاتی با قوانین و مقررات اسلام داشته باشد و ندارد و کسانی که در تهیه و تدوین این قوانین دخالت اضافه کرده اند بطور مسلم از دانشمندان بنام بوده اند و در بسیاری از موارد از قه اسلام و قواعد فقهی استفاده کرده و با آن منطبق نموده اند .

بطور اجمال این فصل نمودار اصول قوانین و مقررات مربوط به تمام شئون موقوفات است که درباره ازموارد دقت های خاصی مبذول داشته اند .

در فصل پنجم - فوائد اوقاف و موقوفات را مورد بررسی قرار داده و نموده اند که اساس جوامع بشری بر تعاون است و اساس تعاون بر ایثار است و اساس ایثار بر خودگذشتگی و گذشت از مال و منال است ضمناً به بعضی از مضرات

موقوفات در صورتی که متولیان امر در کار خود سهل انگاری کنند و نارسائی‌هایی دیده شود کرده است .

در فصل ششم - پاره از آثار هنری و تجلیات خاص موقوفات را بررسی کرده است که بصورت مدارس و مساجد و بناهای تاریخی درآمده است در باب فن معماری در مدارس و مساجد قدیمی مطالبی جالب دارد در فن کاشی‌سازی نیز بطور اختصاری نگاشته شده است .

در این فصل بسیاری از مساجد و مدارس زیبا را نام برده و بالاخره اثر آن یعنی موقوفات را در پیشرفت علم و ادب و فرهنگ بیان کرده است .

فصل هفتم اختصاص به موقوفات بنیاد پهلوی داده شده است . در این فصل نموده است که موقوفات بنیاد پهلوی بر چه اساس و فکری پایه گذاری شده است و نظر بانی بزرگ و عظیم‌الشان آن چه بوده است و چگونه مراقبت می‌شود که پدرستی و در راه‌هایی که خیر و خوشی نسل آینده و جامعه بزرگ ایرانی است مصرف شود و در این راه شاید از همه موقوفات موجود موفق‌تر بوده است البته در این راه هم نظر خیرخواهانه بانی بزرگ آن مؤثر است و هم کسانی که تاکنون عهده‌دار اداره آن بوده‌اند و ما امیدواریم که همین رویه مرضیه معمول باشد و ادامه یابد .

سپس متن و قفنامه بنیاد پهلوی را نقل کرده است و عناوینی که این موقوفات باید در آن مصرف شود مانند : بهداشت ، فرهنگ ، کمک به مستمندان و امور مذهبی و امور اجتماعی و یا تعاون اجتماعی بر شمرده شده است .